

خطبه های بی نقطه و بی الف حضرت علی(ع) که بی نظیر و زیباست

کفعمی در مصباح، از هشام بن سایب کلبی و او از ابی صالح روایت می کند که:

روزی جمعی از اصحاب پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله بحث می نمودند در اطراف این موضوع که کدام حرف است در میان حروف که از همه بیشتر در سخن و کلام موجود است؟ معلوم شد حرف «الف» از همه بیشتر است و هیچکس نمی نتواند کلامی بگوید که حرف «الف» در آن نباشد. حضرت مولای متقیان امیرالمؤمنین علی علیه السلام که در این جلسه حضور داشتند، بدون تأمل و فی البداهه خطبه ای ایراد فرمودند که در آن حرف «الف» به کار نرفته است. چنانکه عقل ها حیران ماند و حضار متحیر. نام این خطبه را مونقه گذاشتند؛ یعنی در حسن و نیکویی و بلاغت، شگفت آور است.

متن خطبه ی بدون «الف» حضرت علی ابن ابیطالب علیه السلام

حَمْدُ مَنْ عَظُمَتْ مَنَّتُهُ، وَ سَبَّغَتْ نِعْمَتُهُ، وَ سَبَقَتْ رَحْمَتُهُ، وَ تَمَّتْ كَلِمَتُهُ، وَ نَفَذَتْ مَشِيَّتُهُ، وَ بَلَغَتْ حُجَّتُهُ، وَ عَدَلَتْ قَضِيَّتُهُ، وَ حَمْدُ حَمْدٍ مُقَرَّبٍ بِرَبُّوبِيَّتِهِ، مُتَخَضِعٍ لِعُبُودِيَّتِهِ، مُتَنَصِّلٍ مِنْ خَطِيئَتِهِ، مُعْتَرِفٍ بِتَوْحِيدِهِ، مُسْتَعِيزٍ مِنْ وَعِيدِهِ، مُؤْمِلٍ مِنْ رَبِّهِ مَغْفِرَةً تُنْجِيهِ، يَوْمَ يُشْغَلُ عَنْ فَصِيلَتِهِ وَ بَنِيهِ، وَ نَسْتَعِينُهُ، وَ نَسْتَرْشِدُهُ، وَ نُوْمِنُ بِهِ، وَ نَتَوَكَّلُ عَلَيْهِ، وَ شَهِدْتُ لَهُ بِضَمِيرٍ مُخْلِصٍ مُوقِنٍ، وَ فَرَدْتَهُ تَفَرِيدَ مُؤْمِنٍ مُتَقِنٍ، وَ وَحَدْتَهُ تَوْحِيدَ عَبْدٍ مُذْعِنٍ لَيْسَ لَهُ شَرِيكٌ فِي مُلْكِهِ، وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ فِي صُنْعِهِ، جَلَّ عَنْ مُشِيرٍ وَ وَزِيرٍ، وَ تَنَزَّاهُ عَنْ مِثْلِ وَ نَظِيرٍ، عَلِيمٌ فَسْتَرٍ، وَ بَطْنُ فَخْبَرٍ، وَ مَلَكٌ فَفَقَّهَرٍ، وَ عَصَى فَفَقَّرٍ، وَ عَبْدٌ فَشَكَرٍ، وَ حَكَمٌ فَعَدَلٍ، وَ تَكْرَمٌ وَ تَفَضُّلٌ، لَمْ يَزَلْ وَ لَمْ يَزَلْ، وَ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ، وَ هُوَ قَبْلُ كُلِّ شَيْءٍ وَ بَعْدُ كُلِّ شَيْءٍ، رَبُّ مُتَفَرِّدٍ بِعِزَّتِهِ، مَتَمَلِّكٌ بِقُوَّتِهِ، مُتَقَدِّسٌ بِعُلُوِّهِ، مُتَكَبِّرٌ بِسُمُوِّهِ لَيْسَ يَدْرِكُهُ بَصَرٌ، وَ لَمْ يُحِطْ بِهِ نَظَرٌ، قَوِيٌّ مُنِيعٌ، بَصِيرٌ، سَمِيعٌ، عَلِيٌّ، حَكِيمٌ، رَئُوفٌ، رَحِيمٌ، غَزِيْزٌ، عَلِيمٌ، عَجَزَ فِي وَصْفِهِ مَنْ يَصِفُهُ، وَ ضَلَّ فِي نَعْتِهِ مَنْ يَعْرِفُهُ، قَرِيبٌ فَبَعْدٌ، وَ بَعْدُ فَقَرِيبٌ، يُجِيبُ دَعْوَةَ مَنْ يَدْعُوهُ، وَ يَرْزُقُ عَبْدَهُ وَ يَحْبُوهُ، ذُو لُطْفٍ خَفِيٍّ وَ بَطْشٍ قَوِيٍّ، وَ رَحْمَةً مُوسِعَةً، وَ عُقُوبَةً مُوْجِعَةً، رَحْمَتُهُ جَنَّةٌ عَرِيضَةٌ مُوْتَقَّةٌ، وَ عُقُوبَتُهُ حَاجِيمٌ مُؤَصَّدَةٌ مُوْتَقَّةٌ، وَ شَهِدْتُ بِعَثْرِ مُحَمَّدٍ عَبْدِهِ وَ رَسُولِهِ صَفِيٍّ وَ حَبِيبِهِ وَ خَلِيلِهِ، بَعَثَهُ فِي خَيْرِ عَصْرٍِ، وَ حِينْفَرَةٍ، وَ كَفَرٍ، رَحْمَةً لِعَبِيدِهِ، وَ مَنَةً لِمَرْيَدِهِ، خَتَمَ بِهِ نُبُوَّتَهُ، وَ قَوَّى بِهِ حُجَّتَهُ، فَوَعَظَ، وَ نَصَحَ، وَ بَلَّغَ، وَ كَدَحَ، رَوْفٌ بِكُلِّ مُؤْمِنٍ، رَحِيمٌ، وَلِيٌّ، سَخِيٌّ، ذَكِيٌّ، رَضِيٌّ، عَلَيْهِ رَحْمَةٌ، وَ تَسْلِيمٌ، وَ بَرَكَهٌ، وَ تَعْظِيمٌ، وَ تَكْرِيمٌ مِنْ رَبِّ غَفُورٍ رَحِيمٍ، قَرِيبٍ مُجِيبٍ، وَ صِيَّتُكُمْ مَعَشَرَ مَنْ حَضَرَنِي، بِتَقْوَى رَبِّكُمْ، وَ ذَكَرْتُكُمْ بِسُنَّةِ نَبِيِّكُمْ، فَاعْلَيْكُمْ بِرَهْبَةٍ تُسَكِّنُ قُلُوبَكُمْ، وَ خَشْيَةٍ تَدْرِي دُمُوعَكُمْ، وَ تَقِيَّةٍ تُنْجِيكُمْ يَوْمَ يُذْهِلُكُمْ، وَ تَبْلِيكُمْ يَوْمَ يَفُوزُ فِيهِ مَنْ ثَقُلَ وَزَنَ حَسَنَتِهِ، وَ خَفَ وَزَنَ سَيِّئَتِهِ، وَ لَتَكُنْ مَسْأَلَتُكُمْ مَسْأَلَةً ذَلٍّ، وَ خُضُوعٍ، وَ شُكْرِ، وَ خُشُوعٍ، وَ تَوْبَةٍ، وَ نَزُوعٍ، وَ نَدَمٍ وَ رُجُوعٍ، وَ لِيَغْتَنِمَ

كُلُّ مُغْتَمٍّ مِنْكُمْ، صِحَّتُهُ قَبْلَ سَقَمِهِ، وَشَيْبَتُهُ قَبْلَ هَرَمِهِ، وَسِعَتُهُ قَبْلَ عَدَمِهِ، وَخَلْقَتُهُ قَبْلَ شُعْلِهِ، وَحَضَرَهُ قَبْلَ سَفَرِهِ، قَبْلَ هُوَ يَكْبُرُ، وَيَهْرَمُ، وَيَمْرَضُ، وَيَسْقَمُ، وَيَمْلَأُ طَبِيبُهُ، وَيَعْرِضُ عَنْهُ جَبِيئُهُ، وَيَتَغَيَّرُ عَقْلُهُ، وَلَيَقْطِيعُ عُمْرُهُ، ثُمَّ قِيلَ هُوَ مَوْعُوكٌ، وَجِسْمُهُ مَنُهِوَكٌ، قَدْ جَدَّ فِي نَزْعٍ شَدِيدٍ، وَحَضَرَهُ كُلُّ قَرِيبٍ وَبَعِيدٍ، فَشَخَصَ بَبَصَرِهِ، وَطَمَحَ بِنَظَرِهِ، وَرَشَحَ جَبِينَهُ، وَسَكَنَ حَنِينَهُ، وَجَذَبَتْ نَفْسُهُ، وَنَكَبَتْ عِرْسُهُ، وَخَفِرَ رَمْسُهُ، وَيَتَمَّ مِنْهُ وَلَدُهُ، وَتَفَرَّقَ عَنْهُ عَدَدُهُ، وَقُسِمَ جَمْعُهُ، وَذَهَبَ بَصَرُهُ وَسَمْعُهُ، وَكُفِنَ، وَمُدِّدَ، وَوُجَّهَ، وَجَرَّدَ، وَغُسِّلَ، وَغُرِيَ، وَنُشِفَ، وَسُجِيَ، وَبُطِطَ لَهُ، وَنُشِرَ عَلَيْهِ كَفْنُهُ، وَشُدَّ مِنْهُ ذَقْنُهُ، وَقُصِمَ، وَغُمِمَ، وَلَفَّ، وَوُدِعَ، وَسَلِمَ، وَحُمِلَ فَوْقَ سَرِيرٍ، وَصَلَّى عَلَيْهِ بِتَكْبِيرٍ، وَثَقُلَ مِنْ دُورٍ مُزْخَرَفَةٍ، وَقُصُورٍ مُشِيدَةٍ، وَحَجَرٍ مُنْضَدَةٍ، فَجُعِلَ فِي ضَرْبِ مَلْحُودَةٍ، ضَبَقَ مَرُصُوصٍ بِلَبَنٍ، مَنْضُودٍ، مُسَقَّفٍ بِجُلْمُودٍ، وَهِيلَ عَلَيْهِ حَفَرُهُ، وَحُثِيَ عَلَيْهِ مَدْرُهُ، فَتَحَقَّقَ حَذَرُهُ، وَنَسِيَ خَبْرَهُ وَرَجَعَ عَنْهُ وَلِيُّهُ، وَنَذِيْمُهُ، وَنَسِيبُهُ، وَتَبَدَّلَ بِهِ قَرِينُهُ وَحَبِيبُهُ، فَهُوَ حَشَوُ قَبْرِ، وَرَهْنُ قَفْرِ، يَسْعَى فِي جِسْمِهِ دُودُ قَبْرِهِ وَيَسِيلُ صَدِيدُهُ مِنْ مَنَخَرِهِ، يُسْحَقُ ثَوْبُهُ وَلَحْمُهُ، وَيُنْشَفُ دَمُهُ، وَيَدُقُّ عَظْمُهُ، حَتَّى يَوْمَ حَشْرِهِ، فَيُنْشَرُ مِنْ قَبْرِهِ، وَيُنْفَخُ فِي صُورٍ، وَيُدْعَى لِحَشْرِ وَنُشُورٍ، فَتَمَّ بُعْثَرَتُ قُبُورٍ، وَحُصِّلَتِ صُدُورُ، وَجِئَ بِكُلِّ نَبِيٍّ، وَصِدِّيقٍ، وَشَهِيدٍ، وَمِنْطِيقٍ، وَتَوَلَّى لِفَصْلِ حُكْمِهِ رَبُّ قَدِيرٍ، بِعَبِيدِهِ خَبِيرٍ وَبَصِيرٍ، فَكَمَ مِنْ زَفَرَةٍ تَضْنِيهِ، وَحَسَرَةٍ تَنْضِيهِ، فِي مَوْقِفٍ مَهُولٍ عَظِيمٍ، وَمَشْهَدٍ جَلِيلٍ جَسِيمٍ، بَيْنَ يَدَيِ مَلِكٍ كَرِيمٍ، بِكُلِّ صَغِيرَةٍ وَكَبِيرَةٍ عَلِيمٍ، حِينَئِذٍ يُلْجِمُهُ عَرَقُهُ، وَيَحْفِزُهُ قَلْقُهُ، عَبْرَتُهُ غَيْرُ مَرُحُومَةٍ، وَصَرَخَتُهُ غَيْرُ مَسْمُوعَةٍ، وَحُجَّتُهُ غَيْرُ مَقْبُولَةٍ، وَتَوَلَّى صَحِيفَتُهُ، وَتَبَيَّنَ جَرِيرَتُهُ، وَنَطَقَ كُلُّ غَضَبٍ مِنْهُ بِسُوءِ عَمَلِهِ وَشَهِدَ عَيْنُهُ بِنَظَرِهِ وَيَدُهُ بِبَطْشِهِ وَرِجْلُهُ بِخَطْوِهِ وَجِلْدُهُ بِمَسِّهِ وَفَرْجُهُ بِلَمْسِهِ وَيَهْدَدُهُ مُنْكَرٌ وَنَكِيرٌ وَكَشَفَ عَنْهُ بَصِيرٌ فَسَلَسِلَ جِيدَهُ وَغَلَّتْ يَدُهُ وَسَيَقُ يُسْحَبُ وَحَدَهُ فَوَرَدَ جَهَنَّمَ بِكَرْبٍ شَدِيدٍ وَظَلَّ يُعَذِّبُ فِي جَحِيمٍ وَيُسْقَى شَرِبَةً مِنْ حَمِيمٍ تَشْوِي وَجْهَهُ وَتَسْلُخُ جِلْدَهُ يَضْرِبُهُ زَيْنَتُهُ بِمَقْمَعٍ مِنْ حَدِيدٍ يَعُودُ جِلْدُهُ بَعْدَ نَضْجِهِ بِجِلْدٍ جَدِيدٍ يَسْتَفِثُ فَيَعْرِضُ عَنْهُ خَزَنَةُ جَهَنَّمَ وَيَسْتَصْرِخُ فَيَلْبَثُ حُتْبَةً بِنَدَمٍ نَعُودُ بِرَبِّ قَدِيرٍ مِنْ شَرِّ كُلِّ مُصِيبٍ وَنَسْأَلُهُ عَفْوَ مَنْ رَضِيَ عَنْهُ وَمَغْفِرَةً مَنْ قَبِلَ مِنْهُ فَهُوَ وَلِيُّ مُسْتَلْتَى وَمُنْجٍ طَلِبَتِي فَمَنْ زُحْرِحَ عَنْ تَعَذِيبِ رَبِّهِ سَكَنَ فِي جَنَّتِهِ بِقَرِيبِهِ وَخَلِدَ فِي قُصُورٍ مُشِيدَةٍ وَمَكِّنَ مِنْ حُورٍ عِينٍ وَحَفَدَةٍ وَطِيفَ عَلَيْهِ بِكُنُوسٍ وَسَكَنَ حَظِيرَةَ فِرْدَوْسٍ، وَتَقَلَّبَ فِي نَعِيمٍ، وَسَقَى مِنْ تَسْنِيمٍ وَشَرَبَ مِنْ عَيْنٍ سَلْسَبِيلٍ، مَمْرُوجَةٍ بِزَنْجَبِيلٍ مَخْتُومَةٍ بِمَسْكِ عَبِيرٍ مُسْتَدِيمٍ لِلْحُبُورِ مُسْتَشْعِرٍ لِلْسُرُورِ يَشْرَبُ مِنْ خُمُورٍ فِي رَوْضٍ مُشْرِقٍ مُغْدِقٍ لَيْسَ يَصْدَعُ مِنْ شَرِبِهِ وَلَيْسَ يَنْزِيفُ هَذِهِ مَنْزِلَةً مَنْ حَشَى رَبَّهُ وَحَذَرَ نَفْسَهُ وَتَلَكَ عُقُوبَةُ مَنْ عَصَى مُنْشِئَهُ وَسَوَّلَتْ لَهُ نَفْسُهُ مَعْصِيَةَ مُبْدِيهِ ذَلِكَ قَوْلُ فَصْلٍ وَحُكْمُ عَدَلٍ خَيْرٌ قَصَصٍ قَصٍّ وَوَعَظٌ بِهِ نَصٌّ تَنْزِيلٌ مِنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ نَزَلَ بِهِ رُوحٌ قُدُسٍ مُبِينٌ عَلَى نَبِيٍّ مُهْتَدٍ مَكِينٍ صَلَّتْ عَلَيْهِ رُسُلُ سَفَرَةٍ

مُكْرَمُونَ بَرَرَةً عَذْتُ بِرَبِّ رَحِيمٍ مِنْ شَرِّ كُلِّ رَجِيمٍ فَلْيَتَضَرَّعْ مُتَضَرِّعُكُمْ وَ لِيَبْتَهِلْ مُبْتَهِلُكُمْ فَتَسْتَغْفِرْ رَبَّ كُلِّ مَرْبُوبٍ لِي وَ لَكُمْ.

ترجمه ی متن خطبه

«ستایش می کنم کسی را که منتش عظیم است و نعمتش فراوان؛ و رحمتش (بر غضبش) پیشی گرفته است. سخن (و حکم) اوتامامت یافته (و قطعی است)؛ خواست او نافذ و برهانش رسا و حکمش بر عدالت است.

ستایش می کنم، به سان سپاس آن که معترف به ربوبیتش و پر خضوع دربندگی اوست. و از گناه خویش (بریده و) کنده شده و به توحید او اقرار می نماید. و از وعید (و بیم) عذابش (به خود او) پناه می برد. و از درگاه پروردگارش امیدوار آمرزشی است که او را نجات بخشد، در روزی که (انسان را به گرفتاری خویش مشغول و) از بستگان و فرزندان غافل می سازد.

از او یاری و هدایت می جوییم و به او ایمان داریم و بر او توکل می کنیم. از ضمیری با اخلاص و یقین، برای او (به توحید) گواهی می دهیم و او را به یکتایی می شناسیم. یکتا شناسی فردی مؤمن و استوار (در یقین). و او را یگانه می شمارم، یگانه دانستن بنده ای خاضع. نه در پادشاهی خود شریکی دارد و نه در آفرینشش یآوری. برتر از آن است که مشاور و وزیری داشته باشد و منزّه است از داشتن همانند و نظیری. (بر کردارها) آگاهی یافت و پوشیده داشت. و از نهان امور مطلع گردید و بدان آگاه است و اقتدار و چیرگی دارد. نافرمانی گشت و آمرزید، طاعت و بندگی اش نمودند و او شکرگزاری نمود. فرمان روایی کرد و عدالت گسترد؛ و برتر از شائبه ی هر نقص و عیبی است و (آنچه شایسته ی هر چیزی بود، به او) عطا فرمود. همیشه بوده و هست و هیچ گاه زوال نمی یابد. و چیزی همانندش نیست. و او پیش از هر چیزی است و پس از هر چیزی. پروردگاری است که به عزّتش یگانه و به قدرت خویش پادشاه (و مقتدر). و به برتری شأنش پاک (و منزّه) است. و به علوّ مقامش (به حق) خود را بزرگ می شمارد. دیده ای او را نمی بیند و نگرشی (در معرفت) بر او احاطه پیدا نمی کند. قوی و مقتدر و بینا و شنوا و برتر و حکیم و رؤوف و مهربان و عزّتمند و داناست. هر آن که به توصیف او برآید، در وصفش حیران ماند. (به آفریدگان) نزدیک است و (در رفعت مقام، از آنان) دور است. (به علوّ شأنش از آنان) دور است و (به آنان) نزدیک است، و دعای کسی را که او را بخواند، اجابت می کند. و به بنده اش روزی می دهد و بدو عطا می فرماید. دارای لطفی است پنهان و قهری قوی و رحمتی گسترده و کیفری دردناک. رحمتش بهشتی پنهان و زیباست و کیفرش جهنمی در بسته و هلاکت بار.

و گواهی می دهد به بعثت محمد صلی الله علیه و آله، بنده و فرستاده و برگزیده و حبیب و خلیش که او را در بهترین (و ضروری ترین) برهه و در دوران گسیختگی (وحی) و کفر- به عنوان رحمتی برای بندگان خود و نعمتی برجسته از نعمتهای فراوان خویش مبعوث فرمود. خداوند کار (برانگیختن پیامبران به) پیامبری (از جانب) خود را به وسیله او به پایان رسانید و برهان خویش را با وی قوت بخشید و آن بزرگوار نیز موعظه فرمود و خیرخواهی نمود و به سختی کوشید، نسبت به هر مؤمنی رؤوف و مهربان بود. سروری بخشنده و پاک گهر و راضی (به قضا و حکم حق) بود. رحمت و سلام و برکت و تعظیم و تکریمی (ویژه و فراوان) از سوی پروردگاری آمرزنده و مهربان و نزدیک و اجابت کننده، بر او باد.

ای گروهی که نزد من حاضرید؛ شما را به تقوای پروردگارتان سفارش می کنم و به شیوه پیامبران یادآوری می نمایم. پس بر شما باد به ترسی که در دلهایتان جای گیرد و هراسی که اشکتان را جاری کند و تقوایی که نجاتتان بخشد، در روزی که هر که وزن نیکی اش سنگین و وزن کار بدش سبک باشد، رستگار شود. درخواست شما (از پروردگارتان) درخواستی توأم با ذلت و افتادگی و شکرگزاری و فروتنی و توبه و کنده شدن (از گناه) و پشیمانی و بازگشت (به طاعت) باشد.

هر کدامتان که غنیمت شمار (فرصت) است، عافیتش را پیش از بیماری و پیری اش را پیش از تهی دستی و فراغتش را پیش از (گرفتاری و) مشغولیت و زمان حضورش را پیش از کوچ، غنیمت بشمارد. پیش از آن که پیر شود و گرفتار بیماری و ناخوشی گردد و (به حالی افتد که) طبیبش از او ملول شود و (نزدیکترین) دوستش نیز از او روی گرداند و عقلش تباه گردد و رشته عمرش بگسلد. آن گاه گفته شود که فلانی به سختی بیمار است و تنش به شدت نحیف شده و در بستر احتضاری سخت افتاده است. و هر خویش و بیگانه ای (به عیادت و وداع) به بالینش آمده است. پس دیده اش را با خیرگی به بالا افکنده، نگاهش را بدان سو دوخته، پیشانی اش عرق کرده، ناله های دردآلودش آرام شده و جانش گرفته شد.

(در چنین حالی می بینی که) تیره بختی به همسرش روی آورده، گورش را کردند و فرزندانش بی سرپرست ماندند و نفراش از دور او پراکنده شدند و آنچه جمع آوری کرده بود، تقسیم شده و بینایی و شنوایی اش از بین رفته است. (هم اکنون می بینی) رویش پوشانده، دست و پایش کشیده، رو به قبله اش کشیده اند و برهنه اش نموده، غسلش داده اند؛ (از هر جامه و پیرایه ای) عاری اش داشته، خشکش نموده اند و پارچه ای بر او افکنده و بر او کشیده اند و آماده اش نموده، (قطعه دیگر) کفنش را نیز بر او افکنده اند، (به گونه ای که) از آن کفن چانه اش را بسته، پیراهن و عمامه هم برایش قرار داده، در لفافش پیچیده اند و (نزدیکان) با او وداع نموده، بدرودش گفتند. (اینک می نگری) بر تابوتش حمل نمودند و با تکبیر بر او نماز گزارند و از خانه های پر زرق و برق و قصرهای مجلل، با اتاقهای منظم و پی در پی، منتقل شده است. در گوری که برایش کنده اند، گذاشته شد. گوری که تنگ است و با خشتهای محکم چیده شده و سقفش با تخته

سنگهایی پوشیده شده است و خاک قبرش را بر او ریخته، کلوخ بر او پاشیدند. پس آنچه که از آن هراسان بود، واقع شد و خبرش به فراموشی سپرده شد و (کسانی که) یار و همنشین و خویشاوند و دوست (او بودند)، از وی برگشتند و تنهایش گذاشتند و همدم و رفیق و یار و ندیمش، کسانی دیگر به جای او برگزیدند.

(اکنون) درون قبری قرار گرفته و به مکان تنها و خلوتی سپرده شده. کرمهای قبر در بدنش می دوند و خون و چرک از بینی اش روان است و جامه و بدنش فرسوده می شوند، خونس می خشکد و استخوانش فرسوده می شود. (و بدین گونه است) تا روز حشر او؛ که از قبرش برانگیخته شود و در صور دمیده شود و برای حشر و نشر فرایش خوانند. پس آنجاست که قبور، زیر و رو می گردند و آنچه در سینه هاست، بیرون کشیده (و هویدا) می شوند و هر پیامبر و صدیق و شهید سخنوری (که مجاز به تکلم است)، آورده می شوند. داوری قاطع آن روز را پروردگاری به عهده دارد که مقتدر بر بندگان و آگاه و بینا (به حالشان) است. پس بسا ناله هایی که او را رنجور و زمین گیر و حسرتی که فرسوده و نحیفش می گرداند. در جایگاهی هولناک و عظیم و مجتمعی بزرگ و وسیع، در مقابل پادشاهی بزرگوار که به هر کار کوچک و بزرگی داناست. در آن هنگام عرقش تا به دهان می رسد و اضطراب و ناراحتی اش، آرامش او را می رباید. اشکش مایه ترحم بر وی نمی شود و ناله اش شنیده (و بدان توجه) نمی گردد. و دلیل (و عذر) او پذیرفته نخواهد بود. نامه عملش به سوی باز می گردد (و به وی سپرده می شود) و بدی کردارش (بر او و دیگران) بیان می شود. هر عضوی از او به بدی کارش گواهی می دهد. چشمش به نگاه او (به حرام) و دستش به سخت گیری (نامورد) او و پایش به گام برداشتن (به سوی حرام)، پوستش به لمس (نامشروع) و شرمگاهش به تماس (به حرام) گواهی می دهند. فرشتگان نکیر و منکر او را (به عذاب وحشتناک) تهدید می کنند و (خداوند) بینا از کارش پرده بر می دارد. پس زنجیر در گردنش افکنده، دستش با غل بسته می شود و کشان کشان و در تنهایی رانده می شود. و در آتش دوزخ عذاب می گردد. و شربتی از آب داغ به وی نوشانیده می شود که چهره اش پخته و پوستش را می کند. فرشته مأمور (عذاب او) به سوی آتش می راندش، او را با گریزی آهنین می زند، (پیوسته) پوستش پس از پخته شدن، به پوستی جدید بر می گردد (و تبدیل می شود). و فریاد استمداد برمی آورد، ولی مأموران جهنم از او روی بر می گردانند. و فریاد سر می دهد و با ندامت دوران طولانی اش را در جهنم می ماند.

به پروردگار توانا پناه می بریم از شرّ هر سرانجام (ناخجسته ای) و از او عفو می طلبیم به سان عفو کسانی که از آنان راضی گردید و آمرزش می جوئیم همانند کسانی که (ایمان و طاعتشان را) از آنان پذیرفت. زیرا تنها اوست که کفیل خواهش و تقاضای من است.

پس هر که از عذاب پروردگارش دور گردانده شود، به قرب حضرتش در بهشت سکنا گیرند و در قصرهایی مزین جاودانه ماند و از حوریان زیبا و سیه چشم و خادمان (بهشتی) بهره مند می گردد. و جامههایی (مملو از خوراکی و نوشیدنی) پیرامونش می گردانند و در جایگاه منیع و ممتاز بهشت مسکن یابد و در نعمتهای سرشار به سر برد و از تسنیم (و از نوشیدنی های بهشت) بدو نوشانیده می شود و از چشمه، سلسبیل آمیخته به زنجبیل، می نوشد که با مشک و عیبری سربسته شده که پیوسته نشاط آفرین و سرور انگیز است. از نوشیدنی هایی (پاکیزه) در باغی روشن، (با درختانی) پر بار می نوشد که هر کس از آن بنوشد، نه دچار سردرد می شود و نه مست و مدهوش می گردد. این جایگاه کسی است که از پروردگارش بترسد و از نفس خویش بر حذر باشد و آن (نیز) کیفر کسی است که معصیت پروردگارش نماید و نفس (شیطانی) او، نافرمانی آفریدگارش را برایش تزیین نماید.

این کلامی است قاطع و انکارناپذیر و حکمی بر پایه عدل. بهترین سخنی است که (از خدا و رسول) برگرفته شده و برترین پندی است که (درقرآن) بدان تصریح شده است. از سوی پروردگار ستوده نازل شده است و روح القدس (برتر از تمامی فرشتگان و دارای پاکی) ممتاز، آن را بر پیامبری هدایت یافته و بلند منزلت فرود آورده است. درود فرستادگان بزرگوار و گرامی داشتگان شایسته (الهی) بر او باد. پناه می برم به پروردگار مهربان از شرّ هر (شیطان) رانده شده. پس باید هریک از شما (به درگاه خداوند) تذلل نماید و (به آستانش) دعا و زاری کند تا از پروردگار هر آفریده ای، آمرزش بطلبیم برای خودم و شما.»

خطبه بدون «نقطه» امام علی (ع)

لِحَمْدِ اللَّهِ أَهْلِ الْحَمْدِ وَأَحْلَاهُ، وَأَسْعَدَ الْحَمْدِ وَأَسْرَاهُ، وَأَكْرَمَ الْحَمْدِ وَأَوْلَاهُ. الْوَاحِدُ الْأَحَدُ الصَّمَدُ، لَا وَالِدَ لَهُ وَلَا وَلَدَ. سَلَطَ الْمُلُوكَ وَأَعْدَاهَا، وَأَهْلَكَ الْعُدَّةَ وَأَدْحَاهَا، وَأَوْصَلَ الْمَكَارِمَ وَأَسْرَاهَا، وَسَمَكَ السَّمَاءَ وَعَلَّاهَا، وَسَطَّحَ الْمِهَادَ وَطَحَّاهَا، وَوَطَّدَهَا وَحَاها، وَمَدَّهَا وَسَوَّاهَا، وَمَهَّدَهَا وَوَطَّاهَا، وَأَعْطَاكُمْ مَاءَهَا وَمَرَعَاهَا، وَأَحْكَمَ عَدَدَ الْأُمَمِ وَأَحْصَاهَا، وَعَدَلَ الْأَعْلَامَ وَأَرْسَاهَا. الْإِلَاهُ الْأَوَّلُ لَا مُعَادِلَ لَهُ، وَلَا رَادَّ لِحُكْمِهِ، لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ، الْمَلِكُ السَّلَامُ، الْمُصَوِّرُ الْعَلَامُ، الْحَاكِمُ الْوَدُودُ، الْمُطَهِّرُ الطَّاهِرُ، الْمَحْمُودُ أَمْرُهُ، الْمَعْمُورُ حَرَمُهُ، الْمَأْمُولُ كَرَمُهُ، عَلَّمَكُمْ كَلَامَهُ، وَأَرَاكُمْ أَعْلَامَهُ، وَحَصَلَ لَكُمْ أَحْكَامُهُ، وَحَلَّ حَلَالُهُ، وَحَرَّمَ حَرَامَهُ. وَحَمَلَ مُحَمَّدًا (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) الرِّسَالَةَ، وَرَسُولَهُ الْمُكْرَمَ الْمُسَدَّدَ، أَطْهَرَ الْمُطَهَّرِ. أَسْعَدَ اللَّهُ الْأُمَّةَ لِعُلُوِّ مَحَلِّهِ، وَسُمُوِّ سُودْدِهِ، وَسَدَادِ أَمْرِهِ، وَكَمَالِ مُرَادِهِ. أَطْهَرَ وَلَدِ آدَمَ مَوْلُودًا، وَأَسْطَعَهُمْ سُعُودًا، وَأَطْوَلَهُمْ عُمُودًا، وَأَرْوَاهُمْ عُودًا، وَأَصَحَّهُمْ عُهْدًا، وَأَكْرَمَهُمْ مُرَدًّا وَكُهُولًا. صَلَاةُ اللَّهِ لَهُ لِيَالِهِ الْأَطْهَارِ مُسَلِّمَةً مُكَرَّرَةً مَعْدُودَةً، وَلِيَالِ وَدِيهِمُ الْكِرَامِ مُحْصَلَةً مُرَدَّدَةً مَا دَامَ لِلْسَّمَاءِ أَمْرٌ مَرْسُومٌ وَحَدٌّ مَعْلُومٌ. أَرْسَلَهُ رَحْمَةً لَكُمْ، وَطَهَارَةً

لِأَعْمَالِكُمْ، وَهُدًى دَارِكُمْ وَدُحُورَ عَارِكُمْ وَصَلَاحَ أَحْوَالِكُمْ، وَطَاعَةً لِلَّهِ وَرُسُلِهِ، وَعِصْمَةً لَكُمْ وَرَحْمَةً. إِسْمَعُوا لَهُ وَرَاعُوا أَمْرَهُ، حَلَّلُوا مَا حَلَّلَ، وَحَرَّمُوا مَا حَرَّمَ، وَاعْبُدُوا - رَحِمَكُمُ اللَّهُ - لِدَوَامِ الْعَمَلِ، وَادْحَرُوا الْحِرْصَ، وَاعْدِمُوا الْكَسَلَ، وَادْرُوا السَّلَامَةَ وَحِرَاسَةَ مُلْكٍ وَرَوْعَهَا، وَهَلَعَ الصُّدُورَ وَحُلُولَ كُلِّهَا وَهَمَّهَا. هَلَكَ وَاللَّهِ أَهْلُ الْإِصْرَارِ، وَمَا وَلَدَ الْإِلْسَارِ، كَمْ مُؤْمِلٍ أَمَلَ مَا أَهْلَكَهُ، وَكَمْ مَالٍ وَسِلَاحٍ أَعَدَّ صَارَ لِلْأَعْدَاءِ عُدَّةً وَعُمْدَةً. اَللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ وَدَوَامُهُ، وَ الْمُلْكُ وَكَمَالُهُ، لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ، وَسِعَ كُلَّ حِلْمٍ حِلْمُهُ، وَسَدَّدَ كُلَّ حُكْمٍ حُكْمُهُ، وَحَدَرَ كُلَّ عِلْمٍ عِلْمُهُ. عَصَمَكُمُ وَلَوَاكُم، وَ دَوَامَ السَّلَامَةِ أَوْلَاكُم، وَلِلطَّاعَةِ سَدَدُكُمْ، وَلِلْإِسْلَامِ هَدَاكُم، وَرَحِمَكُم وَسَمِعَ دُعَاءَكُمْ، وَظَهَرَ أَعْمَالَكُمْ، وَأَصْلَحَ أَحْوَالَكُمْ. وَأَسْأَلُهُ لَكُمْ دَوَامَ السَّلَامَةِ، وَكَمَالَ السَّعَادَةِ، وَالْآلَاءَ الدَّارَةِ، وَالْأَحْوَالَ السَّارَةِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَحْدَهُ.

ستایش مخصوص خدایی است که سزاوار ستایش و مآل آن است. از آن اوست رساترین ستایش و شیرین ترین آن و سعادت بخش ترین ستایش و سخاوت بار ترین (و شریف ترین) آن و پاک ترین ستایش و بلند ترین آن و ممتاز ترین ستایش و سزاوارترین آن.

یگانه و یکتای بی نیاز (ی که همه نیازمندان و گرفتاران آهنگ او نمایند). نه پدری دارد و نه فرزندی.

شاهان را (به حکمت و آزمون) مسلط ساخت و به تاختن واداشت. و ستمکاران (و متجاوزان) را هلاکت نمود و کنارشان افکند. و سجایای بلند را (به خلاق) رسانید و شرافت بخشید. و آسمان را بالا برد و بلند گردانید. بستر زمین را گشود و گسترش داد و محکم نمود و گسترده ساخت. آن را امتداد داد و هموار کرد و (برای زندگی) آماده و مهیا فرمود. آب و مرتعش را به شما ارزانی داشت. تعداد اقوام را (برای زندگی) آماده و مهیا فرمود. آب و مرتعش را به شما ارزانی داشت. تعداد اقوام را (برای زندگی در آن) به درستی. (و حکمت) مقرر فرمود و بر شمار (یکایک) آنان احاطه یافت. و نشانه های بلند (هدایت) مقرر فرمود و آنها را بر افراشته و استوار ساخت.

معبود نخستین که نه او را هم طرازی است و نه حکمش را مانعی. خدایی نیست جز او، که پادشاه است و (مایه) سلامت، صورتگر است و دانا، فرمانروا و مهربان، پاک و بی آلایش. فرمانش ستوده است و حریم کوشش آباد (به توجه پرستندگان و نیازمندان) است و سخایش مورد امید.

کلامش را به شما آموخت و نشانه هایش را به شما نمایاند. و احکامش را برایتان دست یافتنی نمود. آنچه روا بود حلال و آنچه در خور ممنوعیت بود، حرام شمرد.

بار رسالت را بر دوش محمد (صلی الله علیه و آله) افکند. (همان) رسول گرامی که بدو سروری و درستی (در گفتار و کردار و رفتار) ارزانی شده، پاک و پیراسته است.

خداوند این امت را به خاطر برتری مقام و بلندی شرف و استواری دین او و کامل بودن آرمانش سعادت بخشید. او بی آرایش ترین فرد از آدمیان در هنگامه ولادت و فروزنده ترین ستاره یمن و سعادت است. او بلند پایه ترین آنان (در نیاکان) است و زیباترین آنها در (نسل و) شاخسار. و درست پیمان ترین و کریم ترین آنان است در نوجوانی و بزرگسالی.

درود خداوند از آن او و خاندان پاکش باد، درودی خالص و پی در پی و مکرر (برای آنان) و برای دوست داران بزرگوارشان، درودی ماندگار و پیوسته، (برای همیشه تا وقتی که برای آسمان حکمی مرقوم است و نقشی مقرر).

او فرستاد تا تا برایتان رحمتی باشد و مایه پاکیزگی اعمالتان و آرامش سرای (زندگی) شما و بر طرف شدن نقاط ننگ (: و شرم آور کار)تان. و تا مایه صلاح حالتان باشد و اطاعت شما از خدا و رسولانش و موجب حفظ شما و رحمتی (بس بزرگ و فراگیر).

از او فرمان برید و بر دستورش مواظبت ورزید. آنچه را حلال دانست، حلال و هر چه را حرام داشت حرام بشمارید. خدایتان رحمت کند؛ آهنگ کوششی پیوسته نمایید و آزمندی را از خود برانید و تنبلی را وا نهید. رسم سلامت و حفظ حاکمیت و بالندگی آن را – و آنچه را که موجب دغدغه سینه ها (:و تشویش دلها) و روی کرد درماندگی و پریشانی به سوی به آنهاست – بشناسید.

خطبه دیگر حضرت علی ابن ابیطالب (ع) که بدون نقطه است

بسم الله الرحمن الرحيم

الْحَمْدُ لِلَّهِ الْمَلِكِ الْمُخْمَدِ الْمَالِكِ الْوَدُودِ، مُصَوِّرِ كُلِّ مَوْجُودٍ وَمَالِ كُلِّ مَطْرُودٍ.

سَاطِعِ الْمِهَادِ وَمَوْطِدِ الْأَطْوَادِ وَمُرْسِلِ الْأَمْطَارِ وَمُسَهِّلِ الْأَوْطَارِ، عَالِمِ الْأَسْرَارِ وَمُدْرِكِهَا وَمُدْمِرِ الْأَمْلَاقِ وَمُهْلِكِهَا وَ
مُكَوِّرِ الدُّهُورِ وَمُكَرِّرِهَا وَمُورِدِ الْأُمُورِ وَمُصْدِرِهَا، عَمَّ سَمَاحُهُ وَكَمَلَتْ رُكَاةُهُ وَهَمَلَتْ وَطَاوَعَ السُّؤَالَ وَالْأَمَلَ وَأَوْسَعَ
الرَّمْلَ وَأَرْمَلَ.

أَحْمَدُهُ حَمْدًا مَمْدُودًا مَدَاهُ وَأَوْحَدُهُ كَمَا وَحَدَ الْأَوَّاهُ، وَهُوَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ سِوَاهُ وَلَا صَادِعَ لِمَا عَدَلَهُ وَسِوَاهُ.

أَرْسَلَ مُحَمَّدًا عَلَمًا لِلْإِسْلَامِ وَإِمَامًا لِلْحُكْمِ، مُسَدِّدًا لِلرَّعَاعِ وَمُعْطِلًا أَحْكَامَ وَدٍّ وَسُوءِ، أَعْلَمَ وَعَلَّمَ وَحَكَمَ وَأَحْكَمَ وَأَصْلَحَ الْأُصُولَ وَمَهَّدَ وَأَكَّدَ الْوُعُودَ وَأَوْعَدَ، أَوْصَلَ اللَّهُ لَهُ الْإِكْرَامَ وَأَوْذَعَ رُوحَةَ السَّلَامِ وَرَحِمَ آلَهُ وَأَهْلَهُ الْكِرَامَ، مَا لَمَعَ رِثَالٌ وَمَلَعَ رَأْيٌ وَطَلَعَ هَيْلَالٌ وَسَمِعَ إِهْلَالٌ.

إِعْمَلُوا - رَعَاكُمْ اللَّهُ - أَصْلَحَ الْأَعْمَالِ وَاسْتَلَكُوا مَسَالِكَ الْحَلَالِ وَاطَّرَحُوا الْحَرَامَ وَدَعَوْهُ وَاسْمَعُوا أَمْرَ اللَّهِ وَعَوَّهُ وَصَلُّوا الْأَرْحَامَ وَرَاعَوْهَا وَعَاصُوا الْأَهْوَاءَ وَارْدَعُوهَا وَصَاهِرُوا أَهْلَ الصَّلَاحِ وَالْوَرَعَ وَصَارِمُوا رَهْطَ اللَّهْوِ وَالطَّمَعِ وَمُصَاهِرُكُمْ أَطْهَرُ الْأَخْرَارِ مَوْلِدًا وَاسْرَاهُمْ سُودْدًا وَأَخْلَاهُمْ مُورِدًا وَهَاهُ هُوَ أَمَّتُكُمْ وَحَلَّ حَرَمُكُمْ مُمْلِكًا عَمْرُوسَكُمْ الْمُكْرَمَةَ وَمَاهِرَ لَهَا كَمَا مَهَّرَ رَسُولُ اللَّهِ أُمَّ سَلَمَةَ وَهُوَ أَكْرَمُ صِهْرٍ أَوْذَعَ الْأَوْلَادَ وَمَلَكَ مَا أَرَادَ وَمَا سَهَا مُمْلِكُهُ وَلَا وَهَمَ وَلَا وَكَيْسَ مُلَاحِظُهُ وَلَا وَصِيمَ. أَسْأَلُ اللَّهَ لَكُمْ إِحْمَادَ وَصَالِيهِ وَدَوَامَ إِسْعَادِهِ وَالْهَمَّ كُلَّ إِصْلَاحٍ حَالِيهِ وَالْإِعْدَادَ لِمَا يَكُونُ وَمَعَادِهِ، وَلَهُ الْحَمْدُ السَّرْمَدُ وَالْمَدْحُ لِرَسُولِهِ أَحْمَدُ.

سپاس از آن خداوندی است که پادشاهی ستوده و مالکی پر مهر، صورت گر هر مولود و پناهگاه هر مطرودی است. گستراننده بستر زمین و استوار کننده کوهها و فروفرستنده بارانها و آسان کننده نیازها (و آرزوها) است.

دانا و آگاه به همه رازها و درهم کوبنده پادشاهان و نابودکننده آنهاست. در هم پیچنده (و پایان بخش) روزگاران و برگرداننده آنهاست. اوست که هر چیز را وارد دور می نماید و از دور خارجش می گرداند. عطایش همه چیز را فراگرفته و ابر سخایش کمال یافته و فروباریده و خواسته ها و آرزو(های بندگان) را برآورده است. و (به حکمتش) ریگزارها را گسترد و به ریگ آراست.

ستایش می کنم او را، ستایشی که امتدادش بلند (و بی انتها) است؛ و یگانه اش می شمارم بدان گونه که (پیامبر) پر تضرع و ابتهال یگانه اش می شمرد. و اوست خداوندی که امته را خدائی جز او نیست. آنچه که او استوار و مرتب نمود کسی نیست که درهم ریزد.

محمد را - به عنوان نشانه هدایت اسلام و پیشوای زمام داران (و پیشوایان)، و اصلاح گر توده ها و تعطیل کننده احکام (و رسوم بتهایی چون) ودّ و سُوء - فرستاد. او (نیز تعالیم رسالت را) ابلاغ نمود و تعلیم فرمود (هر حکمی که لازم به بیان بود بدان) حکم نمود و (مبانی را) محکم ساخت؛ و اصول اساسی را پایه گذارد و زمینها(ی عملی اش را) مهیا ساخت، و بر وعده ها(ی بشارت) تأکید ورزید و انذار و بیم داد.

خداوند اِکرام (خویش) را برای او پیوسته سازد و سلام (و درود) را ملازم روانش گرداند، و آل و اهل بیت بزرگوارش را رحمت عطا کند، تا وقتی که کواکب می درخشد و بچه شتر مرغ می دود و ماه طلوع می کند و بانگی به گوش می رسد.

خداوند حفظتان کند. شایسته ترین اعمال را انجام دهید، و به مسیرهای حلال روید، و حرام را کنار افکنید و ترک گوئید، به فرمان خدا گوش فرا دهید آن را به خاطر بسپارید و پیوند با خویشان را محکم نمایید، و مراعاتشان نمایید، و با هوسها مخالفت ورزید، و آنها را از خود دور کنید.

با اهل درستی و تقوا وصلت نمایید و از اهل لهو و آز بُرید. این کسی که در پی وصلت با شماست از پاکزاده ترین آزادگان و شریفترین آنان، و شیرین (و محبوبترین) آنان در (تبار و) خواست گاه.

آگاه باشید؛ که او اینک آهنگ شما را نموده، به حریم شما وارد گشته تا عروس گرامی (از تبار) شما را بگیرد و مهریه اش را همان مهری قرار می دهد که رسول خدا، برای (همسرش) امّ سلمه قرار داده است، با اینکه این بزرگوار ییترین دامادی بود که فرزندی را به ودیعه نهاد و آنچه را که خواست بدست آورد (و کسی از وصلتش امتناع نمی کرد). و هر که به او همسر داد، دچار سهو و اشتباه نشد و بر آن که با او پیوند نمود خرده ای گرفته نشد و خسارتی ندید.

از خداوند برایتان مسئلت می کنم که پیوندتان را ستوده گرداند و امدادش را به شما مداوم کند و به هر یک را آن چه مایه صلاح کار و آمادگی برای سرانجام و معادِ اوست الهام نماید.

و ستایش همیشگی مخصوص آن ذات (یکتا)ست و مدح و ثنا از آن رسول او احمد.